

جهانی شدن فرهنگ و سبک زندگی با رضایت جنسی زنان متأهل شهر زنجان

منصور حقیقتیان^{۱*}، فاطمه بیات^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش جهانی شدن فرهنگ و سبک زندگی بر رضایت جنسی زنان متأهل توجه دارد. جهانی شدن در چند دهه اخیر تغییرات عمیقی در عناصر فرهنگی، سبک زندگی، ایده‌ها، آرمان‌ها و افکار افراد ایجاد کرده است که نیازمند بررسی و تفحص است. با این هدف، مطالعه حاضر به روش پیمایش، با ابزار پرسش‌نامه بر مبنای نظریه آریک فروم، آدلر و گیدنز انجام شده است. تعداد ۳۸۴ نفر از زنان متأهل ساکن شهر زنجان به روش خوشه‌ای انتخاب شدند که نمونه تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. متغیر وابسته این پژوهش رضایت جنسی زنان متأهل در ابعاد رضایت از رابطه، ارتباط با همسر، سازگاری، اضطراب رابطه‌ای و اضطراب شخصی و متغیر مستقل اول جهانی شدن فرهنگ در سه بعد نگرش به جهانی شدن، گرایش به نوگرایی و ارزش‌های فرهنگی نو است. متغیر مستقل دوم سبک زندگی در ابعاد سلامت معنوی، سلامت اجتماعی، سلامت جسمانی، سلامت روان‌شناختی، ورزش و تندرستی، تغذیه و وزن است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین جهانی شدن فرهنگ و رضایت جنسی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و همچنین بین رضایت جنسی با سبک زندگی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین، نتایج تأییدکننده فرضیه اصلی تحقیق حاضر است.

کلیدواژگان

جهانی شدن فرهنگ، رضایت جنسی، زنان متأهل، سبک زندگی، شهر زنجان، فناوری‌های نوین.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان Mansour_haghighatian@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان sfbayat@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲

مقدمه و بیان مسئله

گستره وسیع جهان امروز دگرگونی‌ها و تحولات را با آهنگی بی‌سابقه و روندی سریع نظاره‌گر است. در این شتاب بی‌کران، تغییرات بنیادی در نماهای فضایی و زمانی، مرززدایی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تعاملات عمیق و رها از پای‌بست‌های بومی، کاهش حاکمیت دولت-ملت، انفجار تجارت و سرمایه، مهاجرت‌های جهانی، بحران‌های محیطی و... عرصه جهانی را با تغییرات و پیامدهای بسیار مواجه کرده است و انقلاب عظیم فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نیز با تحقق بخشی به دهکده جهانی، بنیاد مالی و فکری جوامع را دگرگون کرده که هیچ‌گونه انزوایزینی و تأملی را بر نمی‌تابد. از این‌رو، در عصر حاضر، بیش از هر عصر دیگری، انسان‌ها با منابع هویتی بی‌شماری مواجه‌اند که به دگرگونی هویت افراد در ابعاد هویت سنتی، پیدایش هویت‌های فرهنگی چندگانه، دگرگونی سامانه‌های ارزشی، تغییر شیوه مصرف و سبک زندگی منجر شده است [۲]. به این ترتیب، جهانی‌شدن مفهومی فراگیر است که در توصیف درهم‌تنیدگی و به‌هم‌پیوستگی جامعه انسانی در مقیاس جهانی وضع شده است. دیوید هلد، آنتونی مک‌گرو و بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی‌شدن بر این واقعیت اتفاق نظر دارند که جهانی‌شدن مجموعه‌ای از فرایندهاست که تضمین تغییر در روابط اجتماعی است [۱۸].

بیشترین بحث‌ها، نزاع‌ها و نگرانی‌های جهانی‌شدن در دنیا در حوزه فرهنگ است؛ در واقع، مبارزه‌ها، کشمکش‌ها، نزاع‌ها و مخالفت‌ها بر سر فرهنگ‌های بومی و خودی در مقابل فرهنگ‌های غیروبومی و اغلب غربی است. با برجسته‌شدن جایگاه فرهنگ در دهه‌های پایانی قرن بیستم و از آنجا که کنش‌های فرهنگی پیامدها و آثار جهانی به همراه دارند، در مطالعات مربوط به فرایند جهانی‌شدن اهمیت بسزایی یافته و نظریه‌های مرتبط با آن به‌منزله یکی از وجوه منشور جهانی‌شدن آشکار می‌شود. جهانی‌شدن، به‌منزله پیامد مدرنیته و ارزش‌های فرهنگی لیبرالیسم، بیانگر این واقعیت است که فرهنگ مدرن با توانایی و برتری در معناسازی و نوسازی توانسته است مشروعیت لازم برای فراگیری و جهانی‌شدن را پیدا کند. تاملینسون معتقد است که دنیای مدرن توسعه شبکه گسترده روابط و تعاملات اجتماعی را نشان می‌دهد که فرهنگ هسته مرکزی آن و جهانی‌شدن فرهنگ سریع‌ترین و گسترده‌ترین بعد آن است [۱۸]. جهانی‌شدن فرهنگ معطوف به فرایند فرسایش و نفوذپذیری حد و مرزها و همگون‌ترشدن جهان به دلیل گسترش فزاینده فرهنگ و عناصر فرهنگی معین است که همان فرهنگ متجدد یا تمدن غربی است [۲۰]. در نتیجه این فرایند و متأثر از آن نظام معنایی در مقیاسی وسیع از فرهنگی به فرهنگ دیگر انتقال می‌یابند و ساختار و آرایش فضای فرهنگی جهان بسیار پیچیده‌تر می‌شود [۷]. انتقال جهانی آگاهی‌ها، ارزش‌ها و هنجارها موجب فرسایش مرزهای فرهنگی و شکل‌گیری فضای فرهنگی جدیدی می‌شود که در آن پایبندی به مؤلفه‌های هویت‌ساز فرهنگ ملی با گرایش‌های فراملی جایگزین می‌شود که پیامدهای آن متأثر کردن

هویت‌های فرهنگی در مکان‌های بسیار دور است [۲۰]. با جهانی‌شدن فرهنگ، ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای پایدار متعلق به یک یا چند فرهنگ رفته‌رفته به صورت شبکه‌ واحدی از روابط اجتماعی درمی‌آید. در نتیجه، روابط اجتماعی که در گذشته به زمان و مکان خاصی مربوط می‌شد، با گذشتن از مرزها و محدودیت‌ها، ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. فرهنگ جهانی که در این فضا متبلور می‌شود فرهنگی متمایز از فرهنگ‌های خاص است که به هویت تاریخی تعلق ندارد و فرهنگی التقاطی، عام و بی‌زمان است. جهانی‌شدن فرهنگ موجب ظهور تغییرات بنیادین در نظام فرهنگی و روابط اجتماعی می‌شود [۲۲]. جامعه فراملی یا جهانی پیامد فرایند مدرنیته و نوگرایی به شمار می‌آید. یکی از ویژگی‌های اساسی مدرنیته، که پایه تحرک و پویایی آن به شمار می‌آید، بازاندیشی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است. بازاندیشی مدرنیته با تولید دائمی خودشناسی منظم ارتباط مستقیم دارد. در جامعه مدرن، انسان‌ها دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند و این را که چه‌اند و چگونه این‌گونه شده‌اند مدام مرور می‌کنند [۱۰]. نوگرایی و جهانی‌شدن با ایجاد فرصت‌های ارتباطی وسیع (از طریق رسانه‌های مختلف به‌ویژه رسانه‌های دیجیتالی) بین فرهنگ‌ها موجب تعاملات وسیع اجتماعی و فرهنگی بین جوامع گوناگون با فرهنگ‌های متفاوت شده‌اند. این امر سبب شده است مردم جوامع مختلف از نوع زندگی اعضای جوامع دیگر اطلاعات پیدا کنند، از رفتار و اندیشه‌های آن‌ها ایده‌های جدید بگیرند و زندگی خود را با آن‌ها مقایسه کنند. همین مسئله موجب شده است که اعضای یک جامعه در مقابل خود الگوهای رفتاری متعددی مشاهده کنند و این امکان برای آن‌ها فراهم آمده تا از میان آن‌ها یکی یا ترکیبی از چند نوع الگوی رفتاری را، که در برخی از موارد متناقض نیز می‌نمایند، انتخاب کنند. به بیان جامعه‌شناسانه، امروزه گروه‌های مختلف مردم می‌توانند شیوه زندگی خود را تا حدودی، آن‌چنان‌که می‌خواهند، انتخاب کنند. انتخاب سبک‌های مختلف زندگی و ارتباطات اجتماعی، آن‌چنان‌که افراد یا گروه‌ها می‌خواهند، سبب شده است پدیده‌هایی که پیش‌تر مسئله اجتماعی نبوده‌اند، امروزه در برخی از فرهنگ‌ها به مسئله اجتماعی تبدیل شوند [۴].

یکی از این پدیده‌ها بحث رضایت جنسی است. می‌توان گفت خانواده اصلی‌ترین هسته هر جامعه و کانون حفظ سلامت و بهداشت روانی است و نه تنها محل تأمین نیازهای عاطفی، جسمی، مادی، تکاملی و معنوی اعضای خود است، بلکه مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی نیز است. وقتی زن و شوهر از زندگی خود رضایت داشته باشند، خانواده از استحکام خوبی برخوردار می‌شود و آن‌ها می‌توانند با مسائل و مشکلات به‌درستی برخورد کنند و از آسیب‌ها در امان بمانند. بنابراین، از آنجا که رضایت زوجی می‌تواند در دوام و پایداری ازدواج نقش داشته باشد، اهمیت مسئله ایجاب می‌کند که هنگام همسرگزینی، افزون بر عوامل عینی نظیر مذهب، طبقه اجتماعی، شیوه لباس پوشیدن، سن،

قیافه و تحصیلات، به عواملی مهم‌تر چون ویژگی‌های شخصیتی که در درازمدت پایدارند و سبک زندگی که تأمین‌کننده سلامت جسمانی و روانی افراد است و می‌تواند رضایت زوجین از زندگی‌شان را متأثر کند نیز توجه شود؛ تا با انتخابی درست در سایه‌خشونودی و رضایت زوجی محیطی سالم و سازنده فراهم شود تا پایه و اساس نسل‌های آینده، پیشرفت جامعه، اعتلای فرهنگ و انتقال ارزش‌ها در آن امکان‌پذیر شود [۶]. از میان ابعاد مختلف رضایت زناشویی، رضایت جنسی^۱ در خانواده یکی از ارکان مهم سلامت خانواده محسوب می‌شود. از لحاظ لغوی، واژه رضایت جنسی به احساس خوشایند فرد از نوع روابط جنسی اطلاق می‌شود [۱۷]. رضایت جنسی فقط لذت جسمانی نیست و شامل کلیه احساسات باقی‌مانده پس از جنبه‌های مثبت و منفی ارتباط جنسی می‌شود. علاوه بر این، رضایت جنسی شامل رضایت فرد از فعالیت‌های خود تا رسیدن به اوج لذت جنسی است [۲۱]. بنابراین، ارضای نیازهای جنسی و رضایت حاصل از آن از عوامل مؤثر در بهداشت جسم و روان افراد است و بر دوام و استحکام بنیان خانواده نیز می‌افزاید. نارضایتی از مناسبات جنسی، علاوه بر تأثیرات منفی روحی و روانی بر خود فرد، مانند افسردگی، عدم تعادل روحی و روانی و شخصیتی، پیامدهایی چون پرخاشگری و خشونت، روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده نیز دارد و بر دیگر اعضای خانواده، اطرافیان و سلامت جامعه نیز تأثیرگذار خواهد بود. نارضایتی جنسی زوجین و ناسازگاری‌های خانوادگی گاهی اوقات می‌تواند بر رفتار فرزندان تأثیر بگذارد [۱۱].

به‌طور کلی، می‌توان گفت که رضایت جنسی، که یکی از ابعاد رضایت زناشویی محسوب می‌شود، اهمیت بسیاری دارد و از آنجا که معمولاً نارضایتی در بخشی از رابطه زوجین به‌راحتی به بخش‌های دیگر سرایت می‌کند، شناخت عوامل ایجادکننده یک نارضایتی می‌تواند به کاهش نارضایتی‌های دیگر و حل مشکلات در بخش‌های دیگر زندگی بینجامد. سبک زندگی^۲ یکی از متغیرهایی است که به نظر می‌رسد بر رضایت جنسی تأثیرگذار است. سبک زندگی یکی از عوامل مهم و مؤثر بر خانواده و از مفاهیم بسیار مهم علوم اجتماعی است که اغلب برای بیان «روش زندگی مردم» به‌کار می‌رود و منعکس‌کننده طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی است. سبک زندگی از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می‌گیرد که افراد به‌طور روزمره آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به‌کار می‌گیرند. درواقع، سبک‌های زندگی الگوهایی برای کنش‌اند که مردم را از هم متمایز می‌کنند. بنابراین، سبک‌های زندگی کمک می‌کنند تا آنچه را مردم انجام می‌دهند و چرایی آن و معنایی را که برای آن‌ها و دیگران دارد درک کنیم [۱۲]. سبک زندگی فرد حوزه‌های مختلفی همچون ورزش، کنترل وزن و تغذیه، اوقات فراغت، نگرش و شیوه برخورد با استرس، سلامت معنوی، سلامت جسمانی،

1. Sexual Satisfaction
2. Life style

سلامت روانی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد که از میان آن‌ها سلامت اجتماعی، سلامت معنوی، سلامت روان‌شناختی، سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه به متغیر اصلی پژوهش حاضر، که رضایت جنسی است، ارتباط بیشتری دارد. رابطه سبک زندگی و رضایت جنسی مسئله‌ای مهم است که باید به آن توجه شود، زیرا سبک و روشی که زوجین و خانواده‌ها برای زندگی خود انتخاب می‌کنند می‌تواند تأثیر زیادی بر سایر روابط آن‌ها با یکدیگر و همین‌طور با جامعه داشته باشد. درواقع، هرچه کیفیت سبک زندگی افراد، به‌ویژه زنان، که نقشی شگرف در مدیریت خانواده برعهده دارند، بالاتر باشد، این شیوه زندگی بر روابط اجتماعی، خانوادگی، زناشویی و همین‌طور روابط جنسی آن‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند در جهت کاهش مشکلات و آسیب‌های خانواده مؤثر واقع شود. یکی از راه‌هایی که زوجین می‌توانند برای کاهش اختلافات خود در روابط زناشویی به کار گیرند، شناخت سبک زندگی یکدیگر و تلاش در جهت تغییر آن مطابق با خواست‌های خانواده است. بنابراین، با توجه به واقعیت‌های بیان‌شده و نظر به پیامدهای ویرانگر ازدواج ناموفق و بهداشت جسمی و روانی زوجین، فرزندان و جامعه و افزایش آمار طلاق، کم‌شدن میانگین طول ازدواج یا زندگی اجباری و تحمیلی بدون رضایت از وضع موجود، لزوم بررسی رضایت‌مندی جنسی و اعمال راهکارهای مناسب جهت افزایش آن و همچنین عوامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده آن اهمیت دارد، زیرا رضایت فرد از زندگی زوجی بخشی مهم از سلامت فردی به‌شمار می‌رود [۶]. ازاین‌رو، هدف از پژوهش حاضر بررسی متغیرهای مهمی مانند جهانی‌شدن فرهنگ و سبک زندگی است که امروزه بر رضایت افراد از روابط زناشویی تأثیرگذار است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشی در زمینه تأثیر متغیرهای سبک زندگی و جهانی‌شدن فرهنگ بر رضایت جنسی انجام نشده است. ازاین‌رو، برای بررسی پیشینه این پژوهش بیشتر به تحقیقاتی مرتبط پرداخته می‌شود:

الماسی و دیگران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در ورزشکاران و مقایسه آن با افراد عادی» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که براساس ضریب همبستگی پیرسون بین سبک زندگی و رضایت زناشویی ورزشکاران رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که این رابطه در مورد افراد عادی نیز معنادار بود [۳]. فاضل، حق‌شناس و کشاورز (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز» به انجام رساندند. یافته‌ها نشان داد که بین عامل توافق و سبک زندگی با رضایت‌مندی زوجی رابطه وجود دارد و بین عامل برون‌گرایی، بازبودن، وجدانی‌بودن و سن با رضایت‌مندی زوجی رابطه‌ای یافت نشد [۶]. رجب‌لو و اصغری (۱۳۸۹)

پژوهشی با عنوان «جهانی‌شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران» انجام دادند. فرضیه کلی پژوهش وجود رابطه‌ای معنادار میان جهانی‌شدن و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان دانشجوی ایرانی است که برای پذیرش آن چهار فرضیه فرعی فردی‌شدن تعاملات جنسی، پذیرش الگوهای تازه، سطح روابط جنسی و داشتن تجربه‌های گوناگون دوستی با جنس مخالف مورد آزمون قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش بر پایه ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد میان جهانی‌شدن (به‌طور عمده رسانه‌های نمایشی) و تعاملات جنسی دانشجویان رابطه وجود دارد [۴]. آقای، ملک‌پور و مصور (۱۳۸۳) نیز تحقیقی با عنوان «رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسه آن با افراد عادی» در شهر اصفهان به انجام رساندند. نتایج نشان داد که براساس ضریب همبستگی پیرسون، بین سبک زندگی و رضایت زناشویی هنرمندان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد [۱]. هیگلندر (۱۹۸۴) نیز در پژوهشی بر بیماران مبتلا به افسردگی دریافت تغییر سبک زندگی بهبود چشمگیری را در سلامت این افراد باعث می‌شود. همچنین، او نشان داد که در این افراد تغییر سبک زندگی تداوم زندگی مشترک را باعث می‌شود. درحالی‌که در بیمارانی که سبک زندگی آن‌ها تغییر نکرده بود عود بیماری و نرخ جدایی و طلاق بیشتر مشاهده شد [۱۹]. لوگان و همکاران (۱۹۹۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند که اولاً با تغییر سبک زندگی زوجین رضایت آن‌ها از زندگی و رابطه زناشویی افزایش می‌یابد. ثانیاً تغییر سبک زندگی توأم با افزایش گرایش اجتماعی است. ثالثاً رویکرد تغییر سبک زندگی باعث همسانی زوجین در سبک زندگی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که زوجین سبک زندگی کنترل‌گر، گیرنده و... را می‌کنند و سبک زندگی مبتنی بر گرایش اجتماعی را به کار می‌گیرند [۲۳]. استین (۲۰۰۳) در پژوهش در زوج‌های مبتلا به ناسازگاری نشان داد که زوج‌درمانی آدلری در تغییر باورهای ناکارآمد و زوجها درخصوص ازدواج مؤثر است. او همچنین نشان داد که تغییر سبک زندگی تغییر در باورهای ناکارآمد زوجها، بهبود مبادلات کلامی، روابط جنسی و همسویی در چگونگی حل مشکلات زندگی را باعث می‌شود [۲۴]. کرادوک (۲۰۰۷) بر روی مقوله‌های مؤثر در رضایت زناشویی تحقیق کرده و به این نتیجه رسیده است که زوجینی که انعطاف‌پذیری، سازگاری و همبستگی بیشتری داشته‌اند، از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بوده‌اند و همچنین یک همبستگی مثبت را بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های همسویی در اوقات فراغت، همگرایی در مسائل مربوط به فرزندان، ازدواج، خانواده و دوستان به دست آورده‌اند [۱۸].

چارچوب نظری

آلفرد آدلر از کسانی است که به مفهوم سبک زندگی اشاره کرده و آن را از مقوله‌های بسیار مهم در زندگی زناشویی می‌داند. آدلر رویه و روش مشخص فرد در زندگی خود را سبک زندگی نامید. او

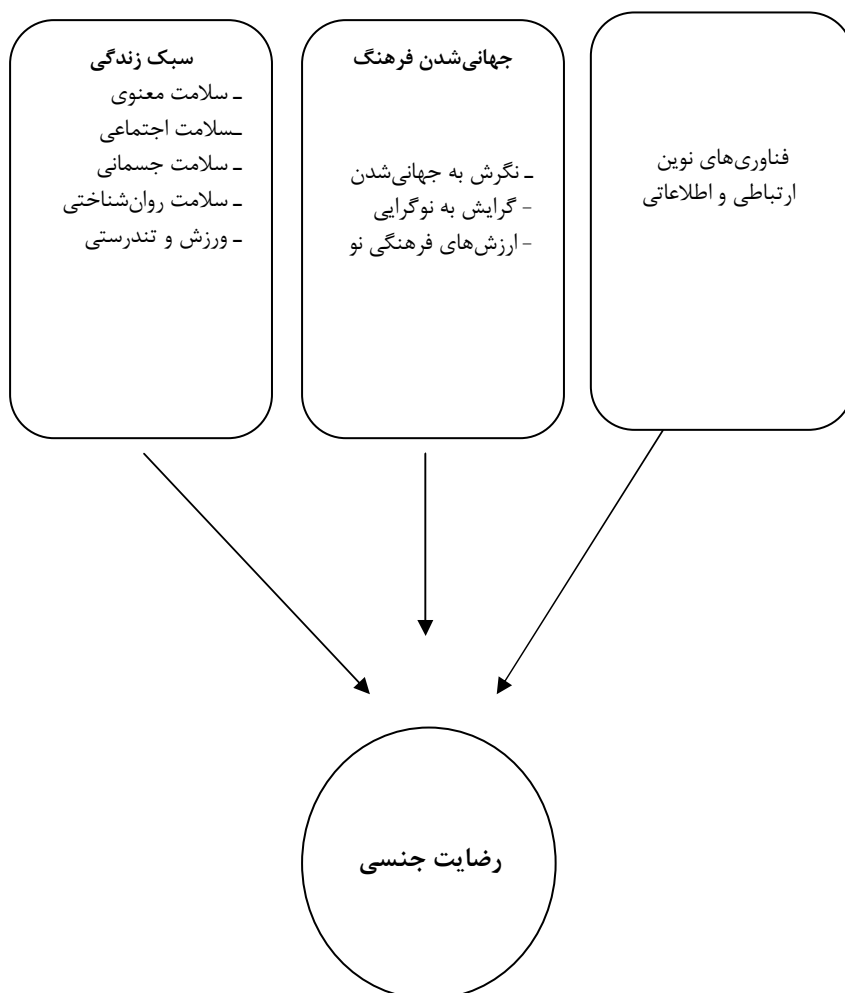
این مفهوم را با تعابیر گوناگونی مانند خود شخصیت، فردیت، شکل‌دهنده فعالیت‌های خلاق فرد و شیوه مواجهه با مشکلات به کار برده است [۱۶]. آدلر درخصوص پدیدآمدن سبک زندگی بر این باور بود که همه انسان‌ها به نوعی احساس کهنتری مبتلا هستند که با روش خاصی درصدد برطرف کردن آن‌اند. این رویه منحصر به فرد برای جبران احساس کهنتری، سبک زندگی افراد را ایجاد می‌کند. سبک زندگی در سه دوره به کمال خود می‌رسد. دوران کودکی زمان شکل‌گیری پنج ریشه اساسی سبک زندگی است که عبارت‌اند از: سلامتی و ظاهر، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، نگرش والدین، منظومه‌های خانوادگی و نقش جنسیتی. دومین بعد از سبک زندگی، نگرش‌ها به تکالیف زندگی است که در دوران نوجوانی تحول می‌یابد. این نگرش‌ها عبارت‌اند از: نگرش به خود، نگرش به مشکلات، نگرش به دیگران، نگرش به جنس مخالف و نگرش به زندگی. سومین بعد از سبک زندگی، تکالیف زندگی است. آدلر بر سه تکلیف اساسی در زندگی تأکید دارد که عبارت‌اند از: دیگران، شغل، عشق و مسائل جنسی [۴]. سبک زندگی در بزرگسالی در اهداف و راه‌های رسیدن به آن‌ها خود را نمایان می‌کند. افراد افزون بر سبک زندگی فردی، نوعی سبک زندگی مشترک در زندگی زناشویی دارند که می‌توانند در جهت اهداف مشترک یا اهداف خودخواهانه باشد. به باور آدلر، بی‌گمان ازدواج و عشق شکلی از همکاری هستند، اما نه تنها همکاری برای رفاه دو نفر، بلکه همکاری برای رفاه نوع بشر [۱]. با توجه به اهمیت سبک زندگی و تعاملات اجتماعی، روان‌شناسی آدلر رویکردی منحصر به فرد را در زوج‌درمانی پیش می‌کشد. در این رویکرد، که بر کل‌نگری مبتنی است، وظیفه درمان اصلاح کردن الگوهای ارتباط نیست، بلکه باید به زوج‌ها کمک کند تا با اصلاح سبک زندگی خود، ارزش‌های خود را به سوی اهداف مشترک هدایت کنند؛ به گونه‌ای که ارتباط آن‌ها بر تمایلات مشترک مبتنی باشد نه تمایلات خودخواهانه. درمان آدلر به منزله یک رویکرد شناختی به تغییر با ترغیب بیماران به ارزیابی دوباره هدف‌های آینده خود به سمت تضعیف سبک زندگی موجود پیش می‌رود. بیماران در جریان ارزیابی دوباره هدف‌های خودخواهانه شاید رفتارهایی را امتحان کنند که به سوی گرایش اجتماعی هدایت شوند و بعد از اینکه بیماران طعم احساس‌های خوب ناشی از کمک به دیگران را چشیدند، بهتر می‌توانند پیامدهای حاصل از زندگی خودخواهانه را به گونه‌ای واقع‌بینانه مقایسه و دوباره ارزیابی کنند [۲]. این رویکرد نشان می‌دهد که سبک زندگی در ادوار مختلف زندگی هر انسان نقشی مهم دارد. بنابراین، سبک زندگی بر ابعاد مختلف زندگی زناشویی نیز اثرگذار است و تلاش زوجین در جهت تغییر سبک زندگی می‌تواند رضایت‌مندی زوجین را در زندگی زناشویی افزایش دهد.

در تحقیق حاضر، در توضیح جهانی‌شدن فرهنگ بر آرای گیدنز تأکید شده است. با این اشاره که نظریه گیدنز درباره جهانی‌شدن در سطوح کلان مطرح شده است و می‌تواند شیوه ارتباط دو پدیده، جهانی‌شدن فرهنگ و سبک زندگی را در سطح خرد به بیانی رساتر بیان کند. گیدنز معتقد است که ما در جهانی با تحولات بسیار شگرف به سر می‌بریم. در حال حاضر،

سه نوع تحول در دنیای جدید در حال رخدادن است و وظیفه جامعه‌شناسی این است که تحلیل کند این تحولات چه تأثیری بر زندگی امروز ما دارند. این تحولات عبارت‌اند از: ۱. تأثیر جهانی‌شدن: از نظر گیدنز، جهانی‌شدن به معنای وابستگی متقابل و فزاینده است. زندگی ما ارتباطی تنگاتنگ با رویدادهایی دارد که کیلومترها دورتر و حتی در آن سوی جهان رخ می‌دهند. جهانی‌شدن بر همه‌جا تأثیر می‌گذارد؛ حتی بر فقیرترین کشورهای جهان. بارزترین جلوه‌های آن را می‌توان در نقش بازارهای مالی دید، اما جهانی‌شدن فقط اقتصادی نیست، بلکه بر گسترش فزاینده ارتباطات و نیز بر یکپارچگی افزون‌تر فرهنگی و سیاسی نیز دلالت دارد. گیدنز معتقد است پس از انقلاب ارتباطات و اتصال تکنولوژی ماهواره‌ای به رایانه‌ها، ما می‌توانیم در یک چشم به هم زدن در هر زمان و با هر کسی در هر نقطه‌ای از جهان ارتباط برقرار کنیم. این ارتباط آنی بسیاری از جنبه‌های زندگی ما را تغییر می‌دهد. ۲. دومین تأثیر عظیم عبارت است از تحولات تکنولوژیک: تکنولوژی اطلاعات بسیاری از شیوه‌های کار و زندگی ما را تغییر داده است. ۳. سومین تأثیر بنیادین عبارت از این است که ساختار زندگی ما نه با گذشته، بلکه بیشتر با آینده قرین است. در مقایسه با گذشته، عادت‌ها، رسوم و سنت‌ها نقش کمتری برای ما، و به‌ویژه در کشورهای صنعتی، ایفا می‌کنند [۹].

بازاندیشی در مدرنیته: از نظر گیدنز، سنت و مدرنیته همیشه در تضاد بوده‌اند. پیش از این، در فرهنگ‌های سنتی به گذشته بیشتر اشاره می‌شد و بیشتر مورد احترام بوده است. بازاندیشی پیش از این و در دوره سنت به معنای شناخت کنش در دل زمینه‌ای است که در آن بروز و ظهور پیدا کرده است. اما بازاندیشی در دوره مدرنیته معنای دیگری یافته است. بازاندیشی مبنای بازتولید نظام است.

بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آن‌ها، اصلاح و پیوسته دگرگون می‌شوند و فقط در عصر مدرنیته است که تجدید نظر در عرف در همه جنبه‌های زندگی انسان صورت می‌گیرد. ویژگی مدرنیته نه اشتها برای چیزهای نو، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه چیز است که البته این بازاندیشی، خود بازاندیشی را نیز دربرمی‌گیرد.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

حال این بازانديشي تحت تأثير چهار عامل قرار مي‌گيرد: اولين عامل «قدرت» است. قدرت محقق دانش را در خدمت منافع گروهی قرار مي‌دهد. تأثير دوم به نقش «ارزش‌ها» بازمي‌گردد. ارزش‌ها مبنای عقلانی ندارند و هر تغييری مبتنی بر بازانديشي تحت تأثير ارزش‌ها نیز قرار مي‌گيرد. تأثير سوم «پيامدهای ناخواسته» است. بازانديشي جهان مدرن امکان مسدودشدن پيامدهای ناخواسته را از بين برده است و هر زمان احتمال وقوع پيامدهای ناخواسته وجود دارد. تأثير چهارم «گردش دانش اجتماعی» است؛ دانشی که به‌گونه‌ای بازانديشانه در شرایط بازتوليد نظام به کار بسته مي‌شود [۹].

گیدنز بر این عقیده است که با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره، برحسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان، اگرچه عوامل یکسان‌ساز و استانداردکننده هم وجود دارد، به دلیل «بازبودن» زندگی اجتماعی امروزی و همچنین به علت تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع «مراجع»، انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد [۸]. گیدنز معتقد است که در جوامع معاصر، که تکثرگرا، متنوع و در حال تغییرند و همه چیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد، «خود» نیز به پروژه‌های بازاندیشانه تبدیل می‌شود. وی همچنین به خودسازنده اولویت زیادی می‌دهد؛ پروژه‌ای که از آن طریق «خود» در سطح فرد، بازاندیشانه و تغییردهنده می‌شود [۸]. گیدنز بازاندیشی در مورد «خود» را فرایندی مداوم و فراگیر می‌داند که طی آن فرد، در فواصل زمانی منظم، برحسب اتفاقاتی که افتاده است به نوعی بازپرسی از خود می‌پردازد [۸]. وی معتقد است که ساخت خود طرح بازاندیشانه‌ای است که بخش اساسی مدرنیته را می‌سازد. در اینجا فرد از میان گزینه‌هایی که نظام انتزاعی فراهم می‌کند باید هویت خود را پیدا کند [۸]. فرد به کمک تکنیک‌های گوناگون، فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت خود فراهم می‌کند. تجربیات تازه و متنوع زمینه را برای تنوع روش‌های عمل مهیا می‌کند. چنین شرایطی زمینه را برای بریدن از الگوهای رفتاری جاافتاده آماده می‌کند که البته این امر ممکن است خطراتی هم در پی داشته باشد. مفهوم‌سازی گیدنز از بازاندیشی از تعاریف دیگر کامل‌تر است. وی بازاندیشی را ویژگی معرف هرگونه کنش انسانی می‌داند و معتقد است همه انسان‌ها با زمینه کنش خود در تماس‌اند و کنش انسانی نه مجموعه‌ای از تعامل‌ها، بلکه جریان مداومی است. تعریف موردنظر از بازاندیشی در این پژوهش به تعریف برگزیده است. در واقع، منظور از بازاندیشی، ترکیب اندیشه و کنش است؛ به نحوی که ضمانت سنت و عرف را در پی نداشته باشد؛ یعنی بازاندیشی از نوع دوره مدرن با شرایطی که تحت آن تردید و تجدید نظر پایدار در زندگی اجتماعی حاصل می‌شود و عملکردهای اجتماعی دائماً در معرض بازسنجی قرار بگیرند. این شرایط عبارت‌اند از: منابع و بسترهای تازه از قبیل رسانه‌های جهانی، فضاهای مجازی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و دانش‌های جدید. این منابع و بسترها باعث تکثر مراجع و زمینه‌های عمل می‌شود و در نتیجه بازاندیشی را در پی دارد. بنابراین، با توجه به دیدگاه نظری گیدنز این پژوهش نیز در پی آن است تا تأثیری را که جهانی‌شدن فرهنگ و منابع و بسترهای آن به‌عنوان بخشی از تحولات دنیای جدید بر بازاندیشی در رضایت جنسی به‌عنوان یکی از عملکردها و ارتباطات اجتماعی دارد بررسی کند [۸].

فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی

بین جهانی‌شدن فرهنگ و سبک زندگی با میزان رضایت جنسی زنان متأهل رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیات فرعی

۱. بین ابعاد مختلف رضایت جنسی رابطه معنادار وجود دارد؛
۲. بین جهانی‌شدن فرهنگ و میزان رضایت جنسی زنان متأهل رابطه معنادار وجود دارد؛
۳. بین میزان کاربری فناوری‌های نوین جهانی و میزان رضایت جنسی زنان متأهل رابطه معنادار وجود دارد؛
۴. بین سبک زندگی و میزان رضایت جنسی زنان متأهل رابطه معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی

مطالعه حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی^۱، مقطعی و کاربردی است. جامعه آماری تحقیق زنان متأهل شهر زنجان است که به دلیل در دسترس نبودن آمار تفکیک‌شده از زنان متأهل شهر زنجان، با استفاده از سالنامه آماری حجم جامعه از طریق گرفتن نسبت بین جمعیت کل زنان در نقاط شهری و زنان متأهل در نقاط شهری و از طرف دیگر جمعیت زنان در شهر محاسبه شد و ۲۴۱ هزار و ۵۶۴ نفر به‌دست آمد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران $383,551624413$ محاسبه شد و برای دقیق‌شدن آن حجم نمونه این پژوهش ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق طبقه‌ای و خوشه‌ای به‌طور ترکیبی بوده است و ابزار استفاده‌شده پرسش‌نامه بوده است. پرسش‌نامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی استفاده شد. به همین منظور، اولاً سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند یا از گویه‌های تحقیقات پیشین استخراج شوند یا برای انتخاب بهترین گویه‌ها از آرای محققان و استادان دیگر کمک گرفته شود. بنابراین، اعتبار تحقیق حاضر از نوع محتوایی است.

برای سنجش پایایی متغیرهای ذکر شده از آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفا برای گویه‌های جهانی‌شدن فرهنگ ۰/۷۸۲، برای گویه‌های سبک زندگی ۰/۹۶۷ و برای

1. survey

گویه‌های رضایت جنسی ۰/۸۷۷ بوده است. بیشتر بودن مقدار آلفا از ۰/۷، بیانگر همبستگی درونی بالای گویه‌ها و مطلوب بودن پایایی ابزار تحقیق است. داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

متغیرهای پژوهش

رضایت جنسی

از لحاظ لغوی، واژه رضایت جنسی به احساس خوشایند فرد از نوع رابطه جنسی اطلاق می‌شود. در واقع، رضایت جنسی شامل رضایت جنسی فرد تا رسیدن به اوج لذت جنسی است. رضایت جنسی فقط لذت جسمانی نیست و شامل کلیه احساسات باقی مانده پس از جنبه‌های مثبت و منفی ارتباط جنسی می‌شود [۵]. رضایت جنسی به منزله متغیر اصلی در این پژوهش با استفاده از ۳۰ گویه، که از پرسش‌نامه استاندارد (SSS-W) استخراج شده است، سنجیده شد.

سبک زندگی

معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «style» است. عبارت «سبک زندگی» در شکل نوین آن (style life) به منظور توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان بهره‌برداری شد.

شیوه زندگی فرد است و عواملی همچون ویژگی‌های شخصیتی، تغذیه، ورزش، خواب، مقابله با استرس، حمایت اجتماعی و استفاده از دارو را شامل می‌شود. با ارزیابی سبک زندگی افراد می‌توان میزان موفقیت‌های فردی و اجتماعی آنان را در زندگی ارزیابی و بررسی کرد [۲۱]. براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، سبک زندگی به روش زندگی مردم با بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین، ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل، دخانیات و...) است که در پی فرایند اجتماعی شدن به وجود آمده است [۲۱].

برای متغیر سبک زندگی، به عنوان متغیر مستقل پژوهش، از پرسش‌نامه استاندارد (LSQ) استفاده شده است. در این پرسش‌نامه متغیر سبک زندگی ۱۰ بعد را شامل می‌شود که از میان آن‌ها سلامت اجتماعی، سلامت معنوی، سلامت روان‌شناختی، سلامت جسمانی، ورزش و تندرستی، کنترل وزن و تغذیه، که به نظر می‌رسد با رضایت جنسی ارتباط بیشتری داشته باشد، سنجیده و مجموعاً ۴۲ گویه را شامل شد.

جهانی‌شدن فرهنگ

جهانی‌شدن فرایندی اجتماعی است که در آن محدودیت‌های جغرافیایی، تنظیمات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش می‌یابد و مردم به گونه‌ای فزاینده از رفع شدن این محدودیت‌ها آگاهی می‌یابند و بر پایه آن عمل می‌کنند. این بدان معناست که حوزه‌های مهمی که فرایند جهانی‌شدن در آن‌ها روی داده‌اند عبارت‌اند از: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فناوری و اجتماعی. اما همچنان که گیدنز باور دارد، فرهنگ زیر ابعاد جهانی‌شدن قرار دارد و از رسانه‌های خود منفک نمی‌شود. از نظر گیدنز، جهانی‌شدن فرهنگی جنبه‌ای بنیادی در پس هریک از بعدهای گوناگون نهادی جهانی‌شدن است [۹]. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در تعریف گیدنز از جهانی‌شدن بعد فرهنگی اهمیت اساسی و پایه‌ای دارد. همچنین، وی در تعریف فرایند جهانی‌شدن فرهنگی به مؤلفه‌هایی چون فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی، آگاهی از جهانی‌شدن و سایر شاخص‌های دیگر اشاره کرده است. از این‌رو، مطالعه حاضر نیز به مطالعه جهانی‌شدن در بعد فرهنگی توجه دارد و حوزه‌های مطالعه‌شده در آن با توجه به عینک نظری مستخرج از آرای گیدنز محدود به حوزه‌های فناوری و فرهنگی است. بنابراین، شاخص‌هایی که برای سنجش این فرایند استفاده شده‌اند شاخص‌هایی هستند که گمان می‌رود تأثیرات بیشتری بر رضایت جنسی زنان دارد.

در حوزه ارزشی، ارزش‌های فرهنگی نو با مؤلفه‌های گرایش به دموکراسی (با شاخص‌های برابری، حق رأی و وجود احزاب سیاسی)، نفع‌گرایی (حساب‌گری، کنش عقلانی معطوف به هدف)، عرفی‌شدن (کاهش تعصبات مذهبی، جدایی دین از سیاست، لزوم تکثرگرایی در دین)، فردگرایی (استقلال‌طلبی، اکتسابی‌بودن موفقیت، تأکید بر اصالت فرد) و مصرف‌گرایی (مدگرایی، رفاه‌طلبی، استفاده از تکنولوژی مدرن)، به‌طور کلی با ۲۶ گویه براساس طیف لیکرت سنجیده شد.

گرایش به نوگرایی: برای سنجش این متغیر، یعنی میزان تمایل افراد به نو بودن، گرایش آنان در استفاده از کالاهای نو و مادی و اندیشه‌های جدید با مؤلفه‌های لباس، ماشین، موسیقی خارجی، هنر، لوازم منزل، ورزش‌های جدید، افکار جهانی، جراحی‌های زیبایی، ازدواج و مهمانی بررسی شد و برای هر مؤلفه یک گویه مبتنی بر طیف لیکرت طرح شد. در حوزه شناختی، نگرش جوانان به جهانی‌شدن با ۱۱ گویه و با طیف لیکرت سنجیده شد و با این متغیر نگرش جوانان از فرایند جهانی‌شدن در جامعه جهانی محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی‌های پژوهش: از ۳۸۴ پاسخ‌گوی این تحقیق، ۱۹۲ نفر

شاغل و ۱۹۲ نفر غیرشاغل بوده‌اند. جوان‌ترین پاسخ‌گوی تحقیق ۱۸ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۶۳ سال داشته‌اند. بیشترین میزان اختلاف سنی با همسر ۱۸ سال و کمترین اختلاف سنی با همسر زیر یک سال و صفر بوده است. بیشترین مدت زمان ازدواج آزمودنی‌ها ۵۰ سال و کمترین آن یک سال و زیر یک سال بوده است. حداقل و حداکثر امتیازات پاسخ‌گو برای متغیر رضایت جنسی به لحاظ نظری بین ۳۰ تا ۱۵۰ بوده است. میانگین این دامنه، یعنی ۹۰، به‌عنوان حد متوسط رضایت جنسی در نظر گرفته شد. برای متغیر سبک زندگی با ۴۲ گویه ۱۰۵ در نظر گرفته شد تا با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای مشخص شود که:

- رضایت جنسی بین زنان متأهل چگونه بوده است؟

- سبک زندگی بین زنان متأهل چگونه بوده است؟

جدول ۱. آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای سنجش میزان متغیر وابسته و مستقل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
رضایت جنسی	۱۱۴٫۶۴۳۲	۱۳٫۷۰۰	۳۵٫۲۴۷	۳۸۳	۰٫۰۰۰
سبک زندگی	۱۳۶٫۶۸۲۳	۳۰٫۱۵۳	۲۰٫۵۹۰	۳۸۳	۰٫۰۰۰

همان‌طور که خروجی این آزمون نشان می‌دهد، میانگین میزان رضایت جنسی بین زنان متأهل مطالعه‌شده ۱۱۴٫۶۴ محاسبه شد که از حد متوسط و میانگین نظری (۹۰) بالاتر بوده و تفاوت معناداری با میزان محاسبه‌شده دارد. سبک زندگی بین زنان متأهل ۱۳۶٫۶۸ محاسبه شد که از حد متوسط و میانگین نظری بالاتر بوده و تفاوت معناداری با میزان محاسبه‌شده دارد.

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف جهانی‌شدن فرهنگی به جز بعد نگرش به جهانی‌شدن و رضایت جنسی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سطح هر یک از مؤلفه‌های جهانی‌شدن فرهنگ، میزان رضایت جنسی کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۲. رابطه بین متغیرهای مستقل با وابسته

رضایت جنسی		متغیر وابسته
Sig	r	متغیر مستقل
۰٫۰۰۰	-۰٫۲۱۰	جهانی‌شدن فرهنگی
۰٫۰۰۰	۰٫۲۲۹	نگرش به جهانی‌شدن
۰٫۰۰	۰٫۲۲۶	ارزش‌های فرهنگی نو
۰٫۰۰۰	۰٫۲۹۵	گرایش به نوگرایی

براساس اطلاعات جدول ۳، بین رضایت جنسی با سبک زندگی رابطه‌ی مستقیم و معنادار وجود دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، همبستگی موجود بین شاخص رضایت جنسی و شاخص کلی سبک زندگی ۰/۴۰۸ است. ملاحظه‌ی ضرایب همبستگی برآوردشده برای هریک از ابعاد سبک زندگی با رضایت جنسی نشان می‌دهد که سلامت اجتماعی با ضریبی معادل ۰/۲۱۴ بیشترین همبستگی را با میزان رضایت جنسی دارد. در نتیجه، با بهبود سبک زندگی میزان رضایت جنسی افزایش می‌یابد.

جدول ۳. رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل با وابسته (

رضایت جنسی		متغیر وابسته
Sig	r	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۴۰۸	سبک زندگی
۰/۰۰۰	۰/۱۸۴	سلامت معنوی
۰/۰۰۰	۰/۲۱۴	سلامت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۱۷۹	سلامت جسمانی
۰/۰۰۰	۰/۱۶۹	ورزش
۰/۰۰	۰/۱۵۵	روان‌شناختی
۰/۰۰	۰/۱۷۵	تغذیه و وزن

برای سنجش فرضیه بین رضایت جنسی در ابعاد مختلف تفاوت وجود دارد. ابتدا مجموع نمره‌های هر بعد بر تعداد گویه‌های همان بعد تقسیم شد تا نمره‌ی همه‌ی ابعاد در مقیاس یک تا ۵ یکسان‌سازی شود. سپس با استفاده از آزمون فریدمن مشخص شد که آیا بین رضایت جنسی در ابعاد مختلف تفاوت وجود دارد یا خیر؟

جدول ۴. خروجی آزمون فریدمن برای مقایسه‌ی رضایت جنسی در ابعاد مختلف

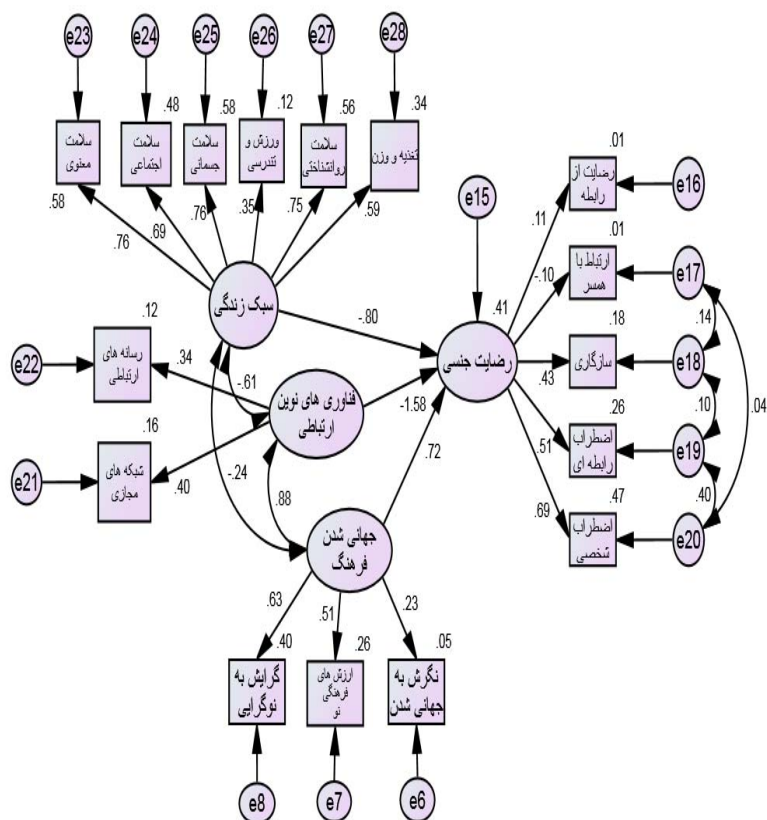
میانگین رتبه	ابعاد
۲/۲۶	رضایت
۱/۹۰	ارتباط
۲/۵۰	سازگاری
۴/۳۴	اضطراب رابطه‌ای
۳/۹۹	اضطراب شخصی
= Chi-Square ۷۵۷/۳۵۰ df = ۴ Sig = ۰/۰۰۰	

اطلاعات جدول ۴ بیانگر این است که بین رضایت جنسی در ابعاد مختلف تفاوت معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۰$).

الگوسازی معادلات ساختاری

الگوسازی معادلات ساختاری به محقق کمک می‌کند تا به تحلیل علی متغیرهای مکنون و متغیرهای مشاهده‌ای به‌طور هم‌زمان بپردازد (بالن و اسکان، ۱۹۹۳). با استفاده از نرم‌افزار اموس^۱ مدل معادله ساختاری رابطه بین سبک زندگی و جهانی شدن بر رضایت جنسی طراحی شد. نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار ۲ منعکس شده است. در این قسمت، به آزمون اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم‌افزار Amos با در اختیار داشتن داده‌های مربوط به متغیرهای برگرفته شده از فرضیه‌ها می‌پردازیم [۱۳]. (برای رسم مدل نهایی، از رویکرد دومرحله‌ای برای مناسب‌بودن بارهای عاملی بهره گرفتیم و بعد از قابل قبول بودن آن‌ها به تدوین مدل نهایی اقدام کردیم). مدل ذیل به آزمون اعتبار سازه‌ای بررسی تأثیر جهانی شدن فرهنگ و سبک زندگی بر رضایت جنسی و آزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است.

در بخش اندازه‌گیری، همچنان که از مدل برمی‌آید، بیشتر معرف‌های متغیرهای مکنون به‌طور نسبتاً مناسب روی آن‌ها بار شده‌اند. شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح‌شده با داده‌های مشاهده‌شده و اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. کلیه شاخص‌های تطبیقی مدل نشان می‌دهند که معنای توان مدل از فاصله‌گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع‌شده بر مبنای معیارهای تعریف‌شده برای آن‌هاست. (البته از آنجا که آماره χ^2 کاملاً تحت تأثیر حجم نمونه مطالعه‌شده است و حجم نمونه در این تحقیق زیاد است، معنادار بودن یا نبودن χ^2 ملاک مناسبی برای قضاوت در مورد مدل نیست).



برای سنجش برازش مدل از شاخص‌های مختلفی استفاده شد. اطلاعات جدول ۵ نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است. مقدار شاخص‌های AGFI، NFI، IFI و CFI باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل بررسی شده همگی از ۰/۹ بیشتر شده است. با توجه به شاخص‌های مزبور می‌توان گفت مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول ۵. برازش مدل

DF	P	Chi-square	AGFI	RMSEA	GFI	IFI	NFI	TLI	CMIN/DF
۹۴	۰٫۰۰۰	۱۸۹٫۹۷۲	۰٫۹۱۶	۰٫۵۲	۰٫۹۴۲	۰٫۹۲۰	۰٫۸۵۳	۰٫۸۹۵	۲٫۰۲۱

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی تجربی رابطه میان ابعاد مختلف جهانی شدن فرهنگ و سبک زندگی بر رضایت جنسی زنان متأهل پرداخته است. مفهوم رضایت جنسی در عصر حاضر به یکی از موضوع‌های اساسی بررسی شده در بحث ازدواج و خانواده تبدیل شده است، زیرا به دلیل تفهیم نامناسب عبارت رضایت جنسی برای افراد و اکراه آن‌ها از پرداختن و توجه به آن باعث بروز مشکلات متعدد در روابط زناشویی می‌شود. چنان‌که آمارها نشان می‌دهد، بخشی از مشکلات زنان و مردان در زندگی زناشویی رضایت جنسی آنان است که در بسیاری از موارد حتی به جدایی ختم می‌شود؛ بی‌آنکه کسی از دلیل واقعی آن آگاه باشد. لذا مطرح کردن، بررسی و آموزش این مسئله می‌تواند کمک شایانی به حفظ و بقای خانواده‌ها بکند؛ به‌خصوص بین زنان و ساکنان شهرهای کوچک و سنتی که سخن گفتن در رابطه با مسائل جنسی را پسندیده و قابل قبول نمی‌دانند. می‌توان گفت، یک دست‌آورد اصلی پژوهش حاضر را باید در جدید بودن موضوع و سهم مشخص و نوآورانه آن در اندازه‌گیری مفهوم رضایت جنسی به شیوه‌ای دانست که تاکنون به آن پرداخته نشده است. تغییرات نگرشی و ارزشی در ارتباط با رضایت جنسی یکی از نشانه‌ها و مؤلفه‌های تغییرات گسترده فرهنگی است که در جامعه در حال گذار، مانند ایران، در حال شکل‌گیری است. تغییرات نگرشی و ارزشی به شکل تدریجی و آرام اتفاق می‌افتد و نتیجه تجربه‌های متفاوت نسل‌های جدید جامعه در رویارویی با محیط و تلاش برای تطابق با آن است [۱۴]. در همین خصوص، داده‌های تحقیق حاضر رابطه بین رضایت جنسی را با متغیر مستقل جهانی شدن و ابعاد آن، یعنی گرایش به جهانی شدن، ارزش‌های فرهنگی نو، نگرش به جهانی شدن تأیید می‌کند. رابطه بین میزان استفاده از فناوری‌های نوین جهانی و رضایت جنسی نیز معنادار بوده است. به‌طور کلی، در فرایند جهانی شدن برخی از الگوهای رفتاری از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین از فرهنگی به فرهنگ‌های دیگر گسترش یافته است. این امر موجب شکل گرفتن سبک‌های جدیدی از زندگی شده است. حاصل این فرایند به‌وجود آمدن هویت‌های جدید و بازاندیشی در ایده‌ها و افکار رایج است که گاهی با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه و نظام دینی حاکم بر جامعه همخوانی ندارد. بین سبک زندگی و رضایت جنسی رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد. بدین معنا که هرچه زندگی افراد کیفیت بالاتری داشته باشد، رضایت جنسی بیشتری را تجربه می‌کنند. نتایج تحقیق با یافته‌های پورمیدانی و همکاران (۱۳۹۳) و بهاری (۱۳۹۴) [۱۵]. همسوست.

همچنین، نتایج نشان داد که ابعاد سبک زندگی که در این پژوهش بررسی شده است نیز بر رضایت جنسی تأثیری مثبت و معنادار دارد. بنابراین، بین سلامت روانی افراد و میزان برخورداری آن‌ها از احساسات و افکار مثبت رابطه‌ای معنادار وجود دارد و همین‌طور بین سلامت معنوی و اجتماعی زنان که دربرگیرنده دیدگاه آن‌ها در رابطه با هدفمندی جهان و برقراری تعامل با افراد دیگر است نیز با رضایت جنسی ارتباطی معنادار برقرار است. از طرف دیگر هرچه افراد برای سلامت جسمانی خود اهمیت بیشتری قائل شوند و به ورزش و حفظ تندرستی خود توجه داشته باشند و سعی کنند از تغذیه‌ای سالم برخوردار شوند، از نظر جنسی نیز رضایت بیشتری را در زندگی زناشویی تجربه می‌کنند.

به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سبک زندگی در رابطه با میزان رضایت جنسی زوجین نقش درخور ملاحظه‌ای ایفا می‌کند. درواقع، از آنجا که سبک زندگی نشان‌دهنده روشی است که افراد برای زندگی و فعالیت‌های روزانه خود انتخاب می‌کنند و همه افراد از سبک زندگی متفاوتی برخوردارند، لزوم بررسی آن در خانواده‌ها احساس می‌شود تا ضمن شناخت این موضوع و ابعاد گوناگون آن، اهمیت سبک زندگی و رابطه‌ای که می‌تواند با رضایت زناشویی و همین‌طور رضایت جنسی داشته باشد برای زوجین مشخص شود. از آنجا که هریک از زوجین پیش از ازدواج و قرارگرفتن در چارچوب زندگی زناشویی سبک زندگی‌ای متناسب با سلیقه‌ها و زمینه‌های خانوادگی خود داشتند، پس از ازدواج و آغاز زندگی مشترک باید تلاش کنند با کمک یکدیگر روش و سبک جدید زندگی خود را انتخاب کنند و علایق و ذائقه‌های طرف مقابل را نیز در این تغییر سبک زندگی دخیل کنند و این تلاش نیازمند داشتن سطحی از آگاهی و همین‌طور بهره‌گرفتن از آموزش‌های مختلف در این خصوص است. یافته‌های پژوهش حاضر با برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بررسی رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی همسوست و نشان می‌دهد سبک زندگی یکی از عناصر مؤثر در میزان رضایت زناشویی است؛ به‌گونه‌ای که زوج‌ها با اتخاذ سبک زندگی مبتنی بر همکاری و اهداف و علایق مشترک می‌توانند زندگی توأم با رضایتی را تجربه کنند.

بنابراین، با توجه به تأثیر انکارناپذیری که سبک زندگی بر رضایت زناشویی و رضایت جنسی بر جای می‌گذارد و با توجه به اهمیت رضایت جنسی در سلامت خانواده و جامعه می‌توان به ارائه راهکارهایی در این خصوص اشاره کرد:

آموزش و آگاه‌سازی زوجین در جهت تغییر سبک زندگی پیشین و انتخاب سبک زندگی مناسب با اهداف مشترک زندگی زناشویی که در تبیین چگونگی اثربخشی آموزش تغییر سبک زندگی بر رضایت جنسی می‌توان گفت این رویکرد به زوجین کمک می‌کند با اصلاح و تغییر سبک زندگی پیشین خود، رضایت از زندگی زناشویی را بالا ببرند و از آنجا که یکی از عوامل مؤثر بر رضایت جنسی زوجین توانایی آن‌ها در درک و فهم یکدیگر و آگاهی از خواسته‌ها و

سلیقه‌های یکدیگر است، تغییر در سبک زندگی با ایجاد تغییر از گرایشی فردگرایانه به گرایش اجتماعی در زندگی مشترک توانایی زوجین را در اهمیت‌دادن به یکدیگر، که به تبع آن رضایت زناشویی و رضایت جنسی را به بار می‌آورد، افزایش می‌دهد و آموزش‌هایی که در ارتباط با سبک زندگی و تغییر آن در اختیار افراد قرار می‌گیرد به آن‌ها کمک می‌کند سبک‌های مخربی که میزان رضایت زوجین را در زندگی زناشویی کاهش می‌دهد و زندگی آن‌ها را با اختلال مواجه می‌کند بشناسند و با اتخاذ سبک زندگی مناسب زندگی زناشویی خود را بهبود بخشند. همچنین، باید گفت آموزش‌های مرتبط با سبک زندگی با ارائه آموزش‌های مخصوص در زمینه حل مشکلات و تعارض‌های زناشویی و به‌چالش کشیدن عقاید، سلیقه‌ها و احساسات معیوبی که می‌توانند زندگی مشترک را دچار آسیب کند به افزایش رضایت زناشویی و به تبع آن رضایت جنسی کمک می‌کند.

منابع

- [۱] آقایی، اصغر؛ ملک‌پور، مختار و مصور، شهلا (۱۳۸۳). «رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسه آن با افراد عادی»، نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۱۶۹-۱۹۰.
- [۲] ادیبی، مهدی؛ یزدخواستی، بهجت و فرهمند، مهناز (۱۳۸۷). «جهانی‌شدن فرهنگ با تأکید بر هویت اجتماعی جوانان شهر اصفهان»، فصل‌نامه مطالعات ملی، س ۹، ش ۳، ص ۱۰۰-۱۸۸.
- [۳] الماسی، نفیسه و دیگران (۱۳۸۹). «رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در ورزشکاران و مقایسه آن با افراد عادی»، نشریه مدیریت ورزشی، ش ۵، ص ۷۳-۸۷.
- [۴] رجبلو، علی؛ اصغری، سارا (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران»، مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان، ش ۲، ص ۷۳-۹۲.
- [۵] شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۸۹). «تأثیر زوج‌درمانی مبتنی بر دل‌بستگی بر رضایت و صمیمیت جنسی».
- [۶] فاضل، امین‌الله؛ حق‌شناس، حسن؛ کشاورز، زهرا (۱۳۹۰). «قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز»، جامعه‌شناسی زنان، ش ۳، ص ۱۳۹-۱۶۳.
- [۷] قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۸۲). «نظام جهانی؛ جهانی‌شدن فرهنگ»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۸۹ و ۱۹۰، ص ۱۷۲-۱۷۷.
- [۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- [۹] ——— (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، چ ۲، تهران: مرکز.
- [۱۰] ——— (۱۳۷۸). تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- [۱۱] مهدوی، محمدصادق؛ نسیمی، مریم (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی رضایت زنان از مناسبات زناشویی»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ش ۳، ص ۵-۲۶.

- [۱۲] نیازی، محسن (۱۳۹۰). «رابطه بین سبک زندگی و میزان هویت ملی مطالعه موردی: شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹»، فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۲۴، ص ۱۲۹-۱۵۷.
- [۱۳] قاسمی (۱۳۸۴). مدل سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌ها اجتماعی، ص ۷۳.
- [۱۴] موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه؛ عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵). «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج»، ش ۴۷ علمی-پژوهشی (وزارت علوم) /isc ۱۹، ص ۱۴۷-۱۶۵.
- [۱۵]. پورمیدانی و همکاران (۱۳۹۳). «رابطه سبک زندگی با رضایت زناشویی و نقش سبک زندگی در رضایت زناشویی زوجین».
- [16] Christopher, F. S., & Sprecher, S. (2000). 'Sexuality in marriage, dating , and other relationships', *Journal of Marriage and Family*, 62, PP 999-1017
- [17] Craddoc, A.E. (2007). 'Relationship between attitudinal similarity couples satisfaction in married and de factor couples', *Australian Journal of psychology*, 43, PP 11-16.
- [18] Estagi, Z. Akbarzadeh, R. Tadayonfar, M. Rahnama, F. Zardosht, R. &Najar, I. (2007). 'The study of life style among Sabzevar city', *journal of medicalscience faculty*, vol 13, 3, 134-139. (in Persian)
- [19] Franko Aas, Katja (2007). *Globalization and Crime*, London: SAGE Publications Ltd.
- [20] Highlander, D. H. , Jr, (1984). *Adlerian life style, social interest and depression inparents*, Doctoral dissertation, Georgia University, Dissertation.
- [21] Hyde JS, DeLamater JD (2000). *Understanding human sexuality*. 7th ed. Boston: McGraw-Hill.
- [22] Jones, Andrew. (2006). *Dictionary of Globalization* (Definition of Globalization), Cambridge: Polity Press.
- [23] Logan, E, Kern, Culette, W., & Trad, A. (1993). 'Couples adjustment, Life style similarity', *Journal Individual Psychology*, 49, 3-4, PP 456-467.
- [24] Stein, H. T, (2003). *Training Classical Adlerian Psychotherapy*, Sanfracisco, AlfredAdler Institute of North Western Washington.